

معرّف و نفّس

سیره و سیره‌نگاری

جعفر سبحانی

جعفر سبحانی در سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در تبریز دیده به جهان گشود و پس از طی دوره مقدمات جهت تکمیل تحصیلات خود رهبان قم و در همانجا مقیم شد. ایشان از شهریور ماه ۱۳۲۵ تاکنون به تحصیل و تدریس و تحقیق تألیف اشتغال دارند. نامبرده آثار قلمی بسیار دارند که متجاوز از شصت جلد کتاب چاپ شده است. اهم آن عبارتند از: ۱- تهذیب الاصول: این کتاب از تفسیرات درس حضرت امام خمینی در سالهای ۳۷-۱۳۳۱ در حوزه علمیه قم است که در سه جلد چاپ شده است. ۲- مفاهیم القرآن: تفسیر موضوعی قرآن است که چهار جلد آن به زبان عربی چاپ شده است. ۳- منشور جاوید: تفسیر موضوعی قرآن. که چهار جلد آن به زبان فارسی چاپ شده است ۴- فروغ ابدیت: حاوی تجزیه و تحلیلی مستند از زندگی پیامبر (ص)، ۵- دوره عقاید اسلامی در شش جلد.

● واژه سیره

«سیره» اسم مصدر و از فعل «سار» مشتق شده است و به معنی راه و روش و کیفیت زندگی انسان در میان مردم به کار می‌رود. مثلی است که می‌گویند: «من طابت سریرته حسنت سیرته»: آنکس که سرشت او پاک باشد، رفتار او نیز نیکو خواهد بود.

در قرآن کریم، این واژه به معنی کیفیت و هیئت شیء به کار رفته است، آنجا که می‌فرماید: «قال خذها ولا تخف، سنعیدها سیرتها الاولى» (سوره طه آیه ۲۱) ای موسی! عصا را بگیر و

نترس، ما آن را بزودی به همان کیفیت نخستین بازمی‌گردانیم.

بنابراین، لفظ «سیره» در قرآن به معنوی کیفیت، استعمال شده است.

در علم «سیره» نیز به همین معنا به کار می‌رود، زیرا مقصود از این علم آگاهی از کیفیت زندگی و احوال شخصیتهایی چون پیامبران پیشوایان معصوم است. از این جهت اگر گفتند می‌شود: «سیره النبی» یا «علم السیره»، منظور آگاهی از ویژگی و کیفیت زندگی فردی اجتماعی، سیاسی و اخلاقی این افراد است.

نخستین سیره‌ها

ولی تردیدی نیست که سیره ابن اسحاق یک اثر جامع در احوال و خصوصیات زندگانی پیامبر است که با توجه به این مطلب می‌توان گفت: وی نخستین فردی است که پایه‌گذار جنبش سیره‌نویسی است.

● نخستین سیره به زبان فارسی

برای یافتن نخستین سیره به زبان فارسی جستجویی دقیق و تتبعی عمیق لازم است که در فهرستها و کتابخانه‌های جهان به عمل آید، ولی تاکنون یک چنین امکانی برای اینجانب به وجود نیامده است. اما می‌توان از دو نوشته به زبان فارسی که هر دو ترجمه‌ای از سیره‌های کهن عربی هستند نام برد:

۱. شرف النبی، که اصل آن به خامه ابو سعید عبدالملک بن محمد نیشابوری خرگوشی (متوفی بسال ۴۰۶ هـ ق) است. این کتاب به وسیله نجم‌الدین محمود بن محمد بن علی راوندی که در نیمه دوم قرن ششم می‌زیسته به فارسی ترجمه شده است.

این کتاب اخیراً به توسط آقای محمد روشن، تصحیح شده و انتشار یافته است.

۲. سیرت رسول الله، ترجمه و انشای رفیع‌الدین اسحاق بن محمد بن همدانی (۶۲۳-۵۸۲) که در سالهای اخیر با تصحیح و مقدمه دکتر اصغر مهدوی انتشار یافته است. و می‌توان گفت که به گونه‌ای ترجمه سیره ابن اسحاق یا ابن هشام است.

بطور مسلم ایرانیان که از روز نخست آیین اسلام را پذیرفته و به آورنده آن و فرزندان پاکش عشق می‌ورزیدند، بی‌تردید درباره سیره پیامبر و

گذشته، تاریخ نگاری و سیره‌نویسی و علم رجال گاهی از حال راویان حدیث) و مغازی (تشریح وات و سرایای پیامبر) علم واحدی به شمار رفت. ولی به مرور زمان هریک از این علوم ای خود رشته خاصی پیدا کرد و نویسندگان حقیقان در هریک از این رشته‌ها دست به تدوین بابهای گوناگونی زدند، نخستین کسی که سیره پیامبر (ص) را نوشت. دانشمند بزرگ شیعه محمد بن اسحاق (متوفی به سال ۱۵۱ هجری) است که زندگانی پیامبر اسلام را به صورت منظمی تدوین کرد. آنگاه این سیره به سینه ابومحمد عبدالملک بن هشام (متوفی به سال ۲۱۸ هجری قمری) تلخیص و به نام سیره هشام معروف شد.

شیخ طوسی، در کتاب رجال خود ابن اسحاق از یاران امام باقر و امام صادق (ع) نام برده است.

هم‌اکنون نسخه‌هایی خطی از سیره ابن اسحاق، کتابخانه‌های خصوصی و عمومی جهان موجود است.^(۱) اینجانب یک نسخه از ترجمه این سیره به زبان آلمانی دیده‌ام.

کاتب چلبی در کشف‌الظنون ذیل حرف سین نین می‌نویسد: نخستین کسی که در سیره رسول خدا کتاب نوشته محمد بن اسحاق رئیس یسندگان مغازی است.

البته اگر مقصود از سیره، نگاشتن بخشی از حالات پیامبر (ص) مانند بیان غزوات باشد، باید عروه بن زبیر به عنوان پیشگام این فن نام برد. زیرا جلال‌الدین سیوطی در کتاب اولیات او را نخستین کسی دانسته که در مغازی پیامبر کتاب نوشته و در سال ۹۴ هجری در گذشته است.

فرزندان عزیز او آثاری از خود به جای گذارده‌اند.

● ارزیابی سیره‌های مختلف

از روزی که پیامبر گرامی (ص) درگذشت، مسلمانان شیفته شرح حال و خصوصیات زندگانی آن حضرت بودند و اگر در آن زمان، ضبط همه ویژگیهای زندگی وی از طریق نگارش امکان نداشت اما مسلمانان می‌کوشیدند که سیره او را سینه به سینه از سلف به خلف منتقل کنند. مراجعه به کتابهای سیره، ثابت می‌کند که آنها تاجه حد به ضبط خصوصیات زندگانی پیامبر عاشق و علاقمند بودند تا آنجا که ابن سعد کاتب واقدی در نخستین جلد طبقات فصلی رابه خصوصیات زندگی شخصی آن حضرت اختصاص داده و از عصا وانگشتر و نعلین و لباس و خضاب و اسامی چاههایی که آن حضرت از آنان آب خورده و ادوات جنگی که با آن می‌جنگیده و مرکبهایی که بر آنها سوار می‌شده است... یاد کرده است. و این مطلب در اغلب سیره‌ها از جمله کتابهای یادشده زیر به چشم می‌خورد:

۱. سیره ابن اسحاق، که مختصر آن به روایت ابن هشام در اختیار ما است.

۲. طبقات محمد بن سعد کاتب واقدی که در سال ۲۳۰ درگذشته است.

۳. مغازی، نگارش محمد بن عمر بن واقدی که در سال ۲۰۷ بدرود حیات گفته است. این کتاب پیرامون «غزوها» و «سرایا» بگونه‌ای گسترده سخن می‌گوید. و اخیراً در سه جلد به همت شرق‌شناسی به نام مارسدن جونس چاپ شده است.

۴. تاریخ طبری، نگارش محمد بن جریر آملی

متوفای ۳۱۰ که بخشی از آن پیرامون سیرد تاریخ زندگانی پیامبر اکرم (ص) نگارش یاقاف است.

اهمیت این چهار کتاب گذشته از تقدم زمانه از آن جهت است که مطالب را به گونه مستند نوشته‌اند و با مراجعه به اسناد و روایات می‌توان درباره محتوای آنها قضاوت و داوری کرد در حالی که بعد از این طبقه، نگارش سیره پیامبر به صورت دیگری درآمد و آن اینکه با حذف اسانید، متون نگارش می‌یافت. در این آثار تاریخ نگار از ضوابط دیگری در تصحیح متون باید استفاده کند.

از این کتابها که بگذریم، سایر سیره‌ها نواخت و از یکدیگر اقتباس کرده‌اند بویژه سیر حلبی که نام آن «انسان العیون فی سیره الامیه و الامون» است. و یک سیره کاملاً نامنظم است نویسنده همه گونه اخبار صحیح و ناصحیح در این کتاب آورده است.

در سیره نگاری کتابهای دیگری هم مورد استفاده قرار می‌گیرد که بهترین آنها به این قمر است:

۱. الاخبار الطوال، نگارش احمد بن داوود دینوری که از فلاسفه و حکما و ریاضیدانان اسلامی است و در سال ۲۹۰-۲۸۰ وفات کرده است.

۲. تاریخ یعقوبی، نوشته احمد بن اسحاق بن جعفر معروف به یعقوبی که در سال ۲۹۲ حیات داشته و کتاب او در سه جلد چاپ شده است.

۳. مروج الذهب، و همچنین التنبيه والاشراف تالیف ابوالحسن علی بن حسن مسعودی متوفای ۳۴۵ هـ.

۴. الکامل فی التاریخ، نگارش عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرام معروف به «ابی‌الکرام»

شده است، اگر ما مجموع کتابهایی را که در این باره نوشته شده در یک جا گردآوریم کتابخانه عظیمی را تشکیل می‌دهد و به طور قطع و یقین می‌توان گفت: هیچ بزرگی همچون حضرت محمد (ص) مورد توجه تاریخ و نویسندگان و متفکران بزرگ قرار نگرفته و درباره احدی از بزرگان و شخصیت‌های جهان، این اندازه کتاب نوشته نشده است.

ولی بیشتر این کتابها یکی از دواشکال زیر را دربر دارد:

۱. یا کتاب به صورت وقایع نگاری و بیان متون حوادث تاریخی است، بدون اینکه در آنها کوچکترین تجزیه و تحلیل و داوری صحیح و بررسی انجام بگیرد، حتی گروهی از بیان علل و انگیزه رویدادهای اسلامی و نتایج و ثمرات آنها نیز پرهیز کرده‌اند.

۲. یا اینکه یک سلسله حدسیات بی‌اساس و اجتهادهای بی‌دلیل، به عنوان بررسی و قضاوت با بیان حوادث آمیخته گردیده، و به عنوان کتاب تحقیقی و تاریخی در اختیار علاقمندان تاریخ اسلام گذارده شده است.

اشکال دسته نخست این است که: تاریخ نافع و سودمند و عبرت‌انگیز و پندآموز، تنها وقایع نگاری و بیان متون قضایا نیست بلکه تاریخ، نگاشتن صفحات حـوادث از روی مدارک و منابع صحیح اطمینان بخش و نمایاندن علل و نتایج و ثمرات آنها است. تاریخ به این معنی بزرگترین گنجینه‌ای است که از نیاکان برای ما به یادگار مانده است و یک چنین تاریخی درباره بزرگترین پیشوای بشر، کمتر نوشته شده است و بسیاری از تاریخ‌نویسان اسلامی برای حفظ متون حوادث، از هر گونه اظهار نظر و تجزیه و تحلیل خودداری کرده‌اند.

در صورتی که این عذر برای توجیه این کار

«سیره» که حوادث و وقایع تاریخی را تا سال ۶۳۰ گاشته است.

● بهترین و معتبرترین سیره

سیره‌هایی که نام برده‌ایم، سیره ابن اسحاق بهترین و سیره ابن هشام متقن‌ترین آنها است، گر چه نمیتوان بر همه مطالب آن صحه گذاشت.

● بررسی اجمالی سیره‌های جدید:

ستندترین سیره‌ای که به صورت تاریخ نقلی اخیراً منتشر شده است کتاب تاریخ پیامبر اسلام ز مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی است که از نقان خاصی برخوردار ولی متأسفانه فاقد تحلیل است. و برخی از حوادث حتمی و قطعی مانند بدیر و مباحله در آن وارد نشده است و این خود بایه تعجب و شگفتی است.

تاریخ دیگری به نام پیامبر به قلم زین‌العابدین هـنما نگارش یافته است که بیشتر جنبه تخیلی و مانتیک دارد و در بسیاری از موارد از واقعیات به دور است و گاهی به نقل مطالبی پرداخته است که از نظر اینجانب خیانت به تاریخ شمرده می‌شود و ما در کتاب فروغ ابدیت در موارد خاصی از او انتقاد کرده‌ایم.

زندگانی پیامبر که به قلم دکتر محمد حسنین سیکل نوشته شده است، تاریخ تحلیلی زیبایی است ولی متأسفانه در مواردی تحت تاثیر روایات سرائیلی قرار گرفته و چهره نوشته خود را آلوده کرده است.

● مستشرقین و سیره‌نویسی

سیرامون زندگانی پیامبر اسلام، بزرگترین پیشوای بشریت کتابها و رساله‌های بسیاری نوشته

اسلام بزنند، ولی نوشته‌های آنان غالباً آلوده اغراض است و در بسیاری از موارد با اشتباه عظیمی همراه می‌باشد. یکی از آنها ازداد خدیجه را با پیامبر در ۵ سالگی و همیستر شد و او را در سن ۸ سالگی، مینویسد (خدیجه‌ای همه میدانید هنگام ازدواج با پیامبر ۴۰ داشته است).

و دیگری معتقد است که بعد از خلیفه دوم علیه‌السلام به خلافت رسید! و پایتخت اسلام مدینه به شام برد!

● پیشنهادها

برای نگارش یک تاریخ جامع و کامل که واقعیات نزدیک باشد لازم است لجنه‌ای محققین اسلامی که در سیره پیامبر و تا عمومی جهان کار کرده باشند تشکیل شود توجه به معیارهای صحیح و ضوابط دقیق زندگی رسول گرامی و پیشوایان عزیز نگارش یابد شاید تشکیل چنین لجنه‌ای با توجه به امکانات کنونی کار مشکلی نباشد.

گاهی پیشنهاد می‌شود که سیره پیامبر صورت فصل بندی شده نگارش یابد مثلاً مفصل در یک فصل، اخلاق آن حضرت در فصل دیگر یاد آوری می‌شود که چنین نگارش در عین بودن شیوه کامل نیست، زیرا بسیاری از حوا با در نظر گرفتن تسلسل آنها می‌تواند بر تاریخنگار کلید حل بسیاری از مشکلات باشد چون در تاریخ تحلیلی باید علل حوادث و نتایج آن مطرح شود و این در صورتی است که بر حوادث صورت تسلسل خود را حفظ کند.

کافی نیست، زیرا آنان می‌توانستند برای حفظ این هدف، دو نوع کتاب بنویسند: کتابی برای بیان متون تاریخی اختصاص دهند و از هر نوع اظهار نظر و تجزیه و تحلیل بپرهیزند و در کتاب دیگر، حوادث را با تجزیه و تحلیل صحیح بنگارند، و یا در یک کتاب نظرات شخصی را از حوادث و قضایای تاریخی جدا سازند. در هر حال در میان دانشمندان دیرینه اسلامی، کمتر کتابی به صورت تجزیه و تحلیل درباره پیامبر اسلام نوشته شده است. نه تنها درباره پیامبر، بلکه بیشتر جریانهای تاریخی که در طول قرون اسلامی رخ داده است، بدون اظهار نظر و بررسی دقیق نگارش یافته است.

آری نخستین کسی که این راه را به روی نویسندگان جهان باز کرد، دانشمند مغربی ابن خلدون (۲) است. وی در مقدمه تاریخ و در تاریخ خود از روش گذشتگان سرباز زده، و حوادث اسلامی را با تجزیه و تحلیل مخصوص خویش نگاشت. و تا حدی قبل از او «ابن ابی الحدید» متوفای ۶۵۵، در شرح نهج البلاغه، پایه تاریخ‌نگاری تحلیلی را ریخت.

قسمت دوم این کتابها اگرچه به صورت «وقایع‌نمایی» نوشته شده‌اند و رنگ تحقیق و بررسی دارد ولی از آنجا که برخی از مؤلفین آنها به خود رنج تتبع نداده و به اتکای مدارک غیرمتقن و ترجمه‌های ناصحیح «وقایع‌نمایی» کرده‌اند، دچار اشتباهات حیرت‌انگیزی شده‌اند و اکثر نوشته‌های خاورشناسان که کمتر برای درک حقیقت و کشف واقع نوشته می‌شود، از این نوع است.

اصولاً شرق‌شناسی از روز نخست به عنوان ابزاری در دست سیاستمداران غرب، پی‌ریزی شده است و اگر هم در میان آنان اندکی افراد واقع‌بین و پیراسته از غرض، دست به نگارش تاریخ

۱- الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

۲- قاضی عبدالرحمن بن محمد خضرمی مالکی که در سال ۱۰۰۰ بدرود زندگی گفته است، با اینکه اشتباهات زیادی در تاریخ برخی از حوادث دارد، ولی مقدمه و تاریخ وی، از کتاب مفید و سودمند است و شیوه و روشش کاملاً نواست و ج ابتکاری دارد.